

آموزش نکته به نکته و مجموعه سوالات طبقه بندی شده

حیطه عمومی

آزمون استخدامی آموزش و پرورش

به همراه سوالات
آزمون ۱۴۰۳

- ✓ درسنامه کلیه دروس
- ✓ بیش از ۱۱۰۰ تست استاندارد
- ✓ پاسخنامه تشریحی

تاریخ و فرهنگ تمدن

تعلیم و تربیت اسلامی

معارف و اندیشه های اسلامی و انقلابی

دانش سیاسی، اجتماعی و حقوق اساسی

توانایی های عمومی و ذهنی

فهرست مطالب

بخش عمومی

معارف و اندیشه‌های اسلامی و انقلابی

مبحث ۱: طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن	۹
فصل ۱: ایمان	۹
فصل ۲: ایمان از روی آگاهی	۱۱
فصل ۳: ایمان زاینده	۱۲
فصل ۴: ایمان و پابندی به تعهدات	۱۳
فصل ۵: نویدها	۱۵
سوالات مبحث یک:	۱۸
پاسخنامه:	۲۴

مبحث ۲: هم‌زمان حسین (ع)	۲۸
فصل ۶: بحث درباره امامت	۲۸
فصل ۷: اهمیت شناخته ائمه (ع)	۲۸
فصل ۸: فلسفه و هدف امامت	۳۰
فصل ۹: انسان ۲۵۰ ساله مبارز	۳۲
فصل ۱۰: دوران‌های چهارگانه امامت	۳۴
فصل ۱۱: برهه آغازین دوره چهارم	۳۶
فصل ۱۲: حیات سیاسی امام صادق (ع)	۳۷
فصل ۱۳: اقدامات حاد ائمه (ع)	۳۸
فصل ۱۴: امامزادگان انقلابی	۴۱
فصل ۱۵: تقیه	۴۲
سوالات مبحث دو:	۴۴
پاسخنامه:	۵۱

تاریخ و فرهنگ تمدن

مبحث ۳: خدمات متقابل ایران و اسلام	۵۵
فصل ۱۶: اسلام و ملیت	۵۵
فصل ۱۷: خدمات اسلام به ایران	۶۰
فصل ۱۸: خدمات ایران به اسلام	۶۸
سوالات مبحث سه:	۸۶
پاسخنامه:	۹۷
مبحث ۴: دستاوردهای انقلاب	۱۰۵
فصل ۱۹: موانع تحقق آرمان‌ها	۱۰۵
فصل ۲۰: اوضاع در دوران پهلوی	۱۰۵
فصل ۲۱: دستاوردهای انقلاب	۱۰۷
سوالات مبحث چهار:	۱۱۵
پاسخنامه:	۱۱۹

مبحث ۵: توسعه و مبانی تمدن غرب	۱۲۱
فصل ۲۲: مقالات شهید آوینی	۱۲۱
سوالات مبحث پنج:	۱۳۲
پاسخنامه:	۱۳۴

فهرست مطالب

بخش عمومی

تاریخ و فرهنگ تمدن

مبحث ۶: مبانی نظری تحول بنیادین تعلیم و تربیت رسمی	۱۳۵
فصل ۲۳: مقدمه و مبانی اساسی	۱۳۵
فصل ۲۴: تبیین چیستی	۱۴۲
فصل ۲۵: تبیین چرایی	۱۵۷
فصل ۲۶: تبیین چگونگی	۱۶۱
سوالات مبحث شش:	۱۸۵
پاسخنامه:	۲۰۳

مبحث ۷: تعلیم و تربیت در اسلام	۲۱۶
فصل ۲۷: مبحث دبیران تعلیمات دینی	۲۱۶
فصل ۲۸: مبحث انجمن اسلامی پزشکان	۲۳۲
سوالات مبحث هفت:	۲۳۷
پاسخنامه:	۲۴۱

دانش سیاسی، اجتماعی و حقوق اساسی

مبحث ۸: قانون اساسی	۲۴۳
فصل ۲۹: اصول قانون اساسی	۲۴۳
سوالات مبحث هشت:	۲۵۹
پاسخنامه:	۲۶۴

مبحث ۹: بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی	۲۶۸
فصل ۳۰: متن بیانیه گام دوم انقلاب	۲۶۸
سوالات مبحث نه:	۲۷۶
پاسخنامه:	۲۸۰

مبحث ۱۰: وصیتنامه الهی سیاسی امام خمینی (ره)	۲۸۳
فصل ۳۱: متن وصیتنامه امام خمینی (ره)	۲۸۳
سوالات مبحث ده:	۳۰۳
پاسخنامه:	۳۰۷

توانایی‌های عمومی و ذهنی

مبحث ۱۱: انواع هوش و توانایی‌های ذهنی	۳۱۰
فصل ۳۲: سنجش هوش	۳۱۰
فصل ۳۳: هوش کلامی - زبانی	۳۱۱
فصل ۳۴: هوش کلامی - منطقی	۳۱۶
فصل ۳۵: هوش کلامی - تحلیلی	۳۲۲
فصل ۳۶: هوش ریاضی - عددی	۳۲۶
فصل ۳۷: هوش ریاضی - هندسه	۳۳۱
فصل ۳۸: هوش تصویری	۳۳۴
سوالات مبحث یازده:	۳۳۷
پاسخنامه:	۳۷۴

متقی کیست؟

رهبانیون مسیحی، برای اینکه دامانشان به گناهان آلوده نشود، رهبانیت پیشه کردند و به غارها و بیغوله‌ها پناه بردند. خداوند در مورد رهبانیون مسیحی در قرآن می‌فرماید: **﴿وَرَهْبَانَةٌ ابْتَدَعُوا مَا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ﴾** رهبانیتی که آنان از خود درآوردند، به صورت بدعتی آن را ایجاد کردند؛ ما بر آنان رهبانیتی را ننوشته بودیم.

عالم اسلامی رهبانیت ندارد. یک فرد آگاه مسلمان، هر انسان مسلمان - که مسلمان بودن و مسئول بودن با یکدیگر لازم و ملزوم هستند - همین جور است؛ سعی می‌کند غریق را، وبازده را، بیمار را، نجات بدهد. او خودش را متقی می‌کند. زره لازم را می‌پوشد و وارد منطقه گناه می‌شود تا از گناه کاران دستگیری کند. با این معنا، تقوی وسیله پیروزی است

رحم خدا به چه کسی تعلق می‌گیرد؟

﴿وَاطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ اطاعت از پیامبر را در کنار اطاعت از خدا آورده است تا اطاعت پیامبر را مصداق اطاعت از خدا بیان کند، وگرنه هر کسی می‌تواند ادعای اطاعت از خدا را داشته باشد. رحم خدا نیز در اینجا به ملتی تعلق می‌گیرد که عمل کرده‌اند و اطاعت کرده‌اند، نه کسانی که منطه ممنوعه خدا را زیر پا گذاشته‌اند. اطاعت خدا نیز یعنی؛ به تمام تکالیف عمل کنیم و حجت‌های الهی را بر دشمنان حمل کنیم؛ آنچه را که به عهده ما نهاده شده است، انجام دهیم.

﴿ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَزَجًا مِّمَّا قُضِيَتْ﴾ دستوری که تو صادر کردی، کمترین کدورتی بر روح و دل آنها بر جای نمی‌گذارد، **﴿وَيَسْلَمُوا سَلِيمًا﴾** تسلیم فرمان تو هستند. اگر ملتی این جور بود و تحت فرمان خدا قرار گرفت، به آقایی می‌رسد و رحمت خدا شامل حال او می‌شود.

غفران چیست؟

﴿وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ﴾ سبقت بگیرید به سوی مغفرتی از سوی پروردگارتان. دین می‌گوید سرعت بگیر و مسابقه بده به سوی مغفرت پروردگار، بهشت برین. زمین و آسمان برای تو کوچک است، از همه چیز بالاتر مغفرت است

مغفرت الهی این نیست که فرد ظلمی، جنایتی، گناهی کرده خدا در روز قیامت به خاطر قطره اشکی یا توجه و توسلی او را ببخشد. غفران یعنی، التیام و پرکردن یک خلأ. غفران یعنی پر کردن جراحت و التیام بخشیدن به آن. هر گناهی، ضربتی بر روح وارد می‌کند. گناه، ضربتی است که روح را از تعالی باز می‌دارد. گناه شکافی در پیکره روان وارد می‌کند، روح را زخمی می‌کند، از کمال که غایت الآمال است، دور می‌کند، این گناه حالا باید مغفرت پیدا کند.

غفران یعنی، زخم روان و نقیصه‌ای که در نفس بوجود آمده برطرف شود. آن وقتی این عقب‌ماندگی جبران می‌شود که یک مقداری بالا برود.

مغفرت این نیست که خدای متعال بی حساب، از روی دلبخواه، یک کسی را مورد لطف بی جایی قرار بدهد، بدون اینکه خود او کوششی در راه این لطف الهی کرده باشد. **﴿وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ﴾** سرعت بگیرید به سوی مغفرتی از پروردگارتان، **﴿وَجَنَّةٍ﴾** و بهشتی، **﴿عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ﴾** که پهنا و گستردگی آن به قدر آسمان ها و زمین است، **﴿أَعِدَّتْ﴾** آماده شده است، **﴿لِلْمُتَّقِينَ﴾** برای متقیان

خداوند لجباز نیست، غفار است. **﴿وَإِنِّي لَغَفَّارٌ﴾** اما برای چه کسی؟ **﴿لِمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى﴾** من بخشنده‌ام برای آنکه توبه کند. یعنی برگردد. پس حاضریم شما را ببخشیم؛ وقتی که مجدداً به راه درست برگردید

با تقوی کیست؟

با تقوایان چه کسانی هستند؟ **﴿الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ﴾** آن کسانی که انفاق می‌کنند در خوشی و ناخوشی. انفاق یک شرط با تقوا بودن است. انفاق با خرج کردن فرق دارد. انفاق خرج کردنی است که با آن خلأی پر بشود، نیاز راستینی برآورده شود. انفاق کار مردمان باهوش است، آنهایی که خلأها و نیازها را می‌فهمند و حاضرند آنها را پر کنند.

﴿وَالكَافِرِينَ الْغَيْظُ﴾ و فروبرندگان خشم. یعنی بر اساس احساسات کار نمی‌کند، همه جا عقل. قرآن نمی‌گوید، خشم را

فروبخورید، می‌گویید بر اساس خشم کاری انجام ندهید. وقتی خشم فرونشست، انسان می‌تواند با عقل، با درک، آنچه را که شایسته است انجام بدهد.

﴿وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ﴾ گذرندگان از مردم، عفوکنندگان از خطاهای مردم. از لغزش‌های مردم باید گذشت، از آن گناهی نباید صرف نظر کرد که لغزش نبوده است. از عملی نباید گذشت که از روی تعمد و عناد انجام گرفته است. ﴿وَاللَّهُ يَحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾

﴿وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ﴾ آن کسانی که چون گناه بزرگی انجام دهند، یا بر خویشتن ستم کنند، فوراً به یاد خدا بیافتند. با تقوی کسی است که در وادی غفلت دیر نپاید. یاد خدا حربه‌ای است در دست ما علیه شیطان

﴿وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَى مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾ بر آنچه که می‌دانند گناه است، اصراری نورزند. ﴿أُولَئِكَ جَزَاؤُهُمْ مَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ﴾ این چنین کسانی که از تلاش و کوشش باز نمی‌ایستند، استغفار می‌کنند برای گناهان، اصرار نمی‌ورزند در راه خطا و خلاف؛ این چنین آدم‌هایی پاداششان مغفرت از سوی پروردگار است

انفال چیست؟

﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ﴾ از تو می‌پرسند - ای پیامبر - در مورد انفال، پرسش می‌کنند که انفال برای کیست و حق کیست. انفال، یعنی ثروت‌هایی که به عموم مسلمانان متعلق است. مانند؛ درآمد مسلمانان از جنگ، معادن، جنگل‌ها، دشت‌ها و مراتع، به طور خلاصه، ثروت‌هایی که متعلق به یک فرد خاص یا به یک جمع خاص نیست و از آن تمامی ملت است

وقتی در جنگ بدر، مسلمانان بحث کردند که غنایم از آن کیست، آیه قرآن پاسخ داد: ﴿قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ﴾ انفال از آن خدا و از آن پیامبر است. مال خداست، یعنی متعلق به عده‌ی معینی از بندگان خدا نیست بلکه باید صرف چیزی بشود که از اهداف الهی است. پس آنچه مال خداست، در حقیقت مال بندگان خداست و باید در راه مصالحی که خدای متعال معین کرده است، صرف و خرج بشود.

پس «وَالرَّسُولُ» به چه معناست؟ رسول خدا در اینجا به عنوان رسالت و نبوت مطرح نیست، به عنوان حکومت الهی مطرح است. یعنی وقتی که رسول از دنیا رفت، امام همه کاره انفال است. امام یعنی حاکم الهی. بنابراین در روزگاری که امام معصوم بر مردم حکومت نمی‌کند، آن کسی که از جانب خدا می‌تواند و می‌باید بر مردم حکومت کند، همه کاره انفال است. به هر صورت، انفال در اختیار یک قدرتمند الهی یا همان حاکم اسلامی است. او در زمان وجود پیغمبر، رسول الله، پس از او امام معصوم است، اگر امام معصوم نباشد، امام عادل الهی؛ آن کسی که زمام حکومت اسلامی باید دست او باشد، و مسلط به انفال است

عمل مومن

پس از آنکه مصرف انفال را معین نمود، می‌فرماید: ﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ اگر مومن هستید، این سه کار را انجام دهید: تقوای خدا پیشه کنید، میان خود را اصلاح کنید و فرمان ببرید خدا را و پیامبرش را. مسئله ایمان به همین خلاصه نمی‌شود که در قلب، انسان این گروش و گرایش و گرویدگی را داشته باشد.

آن وقتی ایمان به صورت راستین در فرد وجود دارد که به لوازم و تعهدات ایمان پایبند باشد. خدا در مورد مال، جان و عمر انسان، در مورد روابطش با خدا و سایرین وظایفی معین کرده است، اگر از خدا اطاعت کنید، مومنینید.

خصایص مومن

خداوند برای مومن پنج خصیصه معرفی کرده است. ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ﴾ چون یاد شود خدا، به بیم آید دل‌هایشان. این دهشت و بیمناکی، ناشی از احساس عظمت او و احساس حقارت خویشتن در مقابل اوست. این چنین انسانی سعی می‌کند جز از آن خط سیر مستقیمی که خدای عالم برای او معین کرده، از راه دیگری سیر نکند

﴿وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا﴾ نشانه دیگر مومن این است که وقتی آیات خدا بر او خوانده شوند، ایمانشان افزون می‌گردد. با تلاوت قرآن ایمان مومن باید زیاد شود. پس قرآن را باید ترجمه، معنا و تفسیر کرد تا با خواندن آن ایمان‌مان زیاد بشود

﴿وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾ نشانه دیگر این است که مومن بر پروردگار خود توکل می‌کند. توکل یعنی در همه حال اتکاء و امیدت به خدا باشد. وقتی همه درها بسته می‌شود، برای انسان با خدا در دیگری در بن‌بست‌ها باز می‌شود؛ در توکل به خدا. در جنگ

أُخِذَ، وقتی دو گروه از دو طرف به مسلمانان حمله کردند، وقتی گفتند پیامبر کشته شده است، عده‌ای بی توکل فرار کردند، ولی علی (ع) ایستاد، این یعنی توکل. دو بال نیرومند برای پرواز انسان در زندگی، یکی صبر است، یکی توکل. هر امتی این دو بال را داشته باشد از تیررس دشمن‌های خاکی به دور خواهد ماند

چهارمین ویژگی مومن **«الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ»** آنها که به پا می‌دارند نماز را. **«يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ»** از نماز گذاردن تنها، بالاتر است. یک معنا این است که نماز را به صورت کامل انجام بدهد. آدمی که نماز خوب می‌خواند، همه مشکلات برایش آسان است. پیامبر در هنگام بحران‌ها به بلال می‌گفت: **«أَرِحْنَا يَا بَلَالُ»** ما را آسوده کن، برو اذان بگو. معنی دیگر این است که در جامعه به پا دارند و جامعه را نمازخوان کنند. هر کسی که نماز خوب بخواند ولی به دیگران کاری نداشته باشد، کامل نیست. جامعه نمازخوان یعنی آن جامعه‌ای که هر روز از سردمداران فساد، یعنی **«مَغْضُوبٌ عَلَيْهِ»** و از دنباله‌روان فساد، یعنی از **«ضَالِّينَ»** تبری می‌جوید. نماز اینهاست

«وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ» نشانه دیگر مومن این است که از آنچه به آنان روزی کرده‌ایم انفاق می‌کنند. اسم مال در آن نیست، فرق نمی‌کند، از عمر، فرزند، آبرو و توان جسمی، زبان، فکر و مغز و همه امکاناتی که دادیم، انفاق می‌کنند. بعلاوه هر خرج کردنی هم انفاق نیست. انفاق باید خلئی را پر کند، دردی را درمان کند، نیازی از این جامعه مستمند را برطرف کند. آنچه که مایه مومن بودن و شرط و نشانه ایمان است، انفاق است

«أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا» اینان مومنان راستین هستند، غفران از آن اینهاست.

فصل ۲: ایمان از روی آگاهی



حقیقی در مورد ایمان

اولاً ایمان خصلت برجسته پیامبران خدا و مومنان و دنباله‌روان آنهاست. فرق میان رهبران الهی و رهبران سیاستمدار جهانی در ایمان است. مثلاً وقتی رهبران بی‌دین شوروی به هندوستان (پس از استقلالش) سفر کردند، نقش تیلاک که یک رهبر مذهبی و آزادیخواه هندو بود را بر پیشانی زدند. یعنی به چیزی تظاهر کردند که به آن ایمان نداشتند. ولی رهبران الهی، همواره همچون پیشاهنگان یک راه، پرچم بدست مشغول حرکت بوده‌اند و از همه جلوتر خودشان بودند. ایمان از خصوصیات پیامبران خدا است و یعنی باور، قبول و پذیرش با تمام وجود، باور به آنچه می‌گوید. نشانه باور داشتن این است خود پیشاپیش حرکت کند. قرآن می‌فرماید: پیامبر به آنچه از پروردگار به سوی او نازل شده ایمان آورده است و مومنانش، همگی به خدا و ملائکه و کتب آسمانی و رسولانش ایمان آوردند. پیامبران همگی ساربانان یک قافله‌اند و به سوی یک مقصد پیش می‌تازیده‌اند.

جاذبه ایمان

«وَقَالُوا سَمِعْنَا وَاطَعْنَا» شنیدیم، فهمیدیم، نیوشیدیم. **«سَمِعْنَا»** یعنی ما با تمام وجود فهمیدیم. **«وَاطَعْنَا»** یعنی ما از روی روشنی و آگاهی و سمع اطاعت کردیم. **«غُفِرَ لَكَ رَبَّنَا»** پاداشی که از تو می‌خواهیم خدایا، مغفرت توست و نه چیز دیگر. ایمان یعنی باور، به وضوح مطلب را پذیرفتن و قبول کردن، یعنی دنبال یک جاذبه حرکت کردن. اگر این جاذبه در مکتب دین و قرآن دل تو را تسخیر نکرده باشد؛ یعنی اگر ایمان در این دل نباشد، این دل مرده است و به نور اسلام زنده نیست

ایمان آگاهانه

ایمان دو جور است. یا ایمانی است از روی تقلید و تعصب؛ یعنی چون پدران ما باور داشتند، ما هم باور کردیم. یا اینکه از روی تعصب است. تعصب یعنی جانبداری بدون دلیل و از روی احساسات. این افراد چون کاری را مسلمانان انجام می‌دهند، درست و کاری که ادیان دیگر انجام می‌دهند غلط، می‌شمرند ولی دلیل و منطقی ندارند.

ایمانی که در اسلام ارزش دارد، مقلدانه و متعصبانه نیست. یک دلیلش اینکه، ایمانی که از روی تقلید یا تعصب باشد، به آسانی زایل می‌شود. (رهبر انقلاب در این جلسه ۱۳۵۳) ایمان نسل جوان را مایه امیدواری دانسته‌اند ولی نسل قبل از جوان را دارای ایمان‌های کور دانسته که از روی منطبق نیست).

اگر بخواهیم ایمان‌ها استوار باشد، اگر بخواهیم ایمان‌ها زائل نشود، ایمان آگاهانه باشد، باید دائماً آگاهی بدهیم به آن کسانی که می‌خواهیم مومن باشند.

این آیات از آخر سوره آل عمران ایمان آگاهانه را به ما معرفی می‌کند: ﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاجْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَبْصَارِ﴾ در آفرینش آسمان‌ها و زمین، آمد و رفت شب و روز همانا نشانه‌هایی است، برای خردمندان. خردمند یعنی دارای نیروی فهمیدن و او همه مردمند، در صورتیکه فکر و هوششان را به کار ببندازند. از نظر قرآن، خردمند، ﴿أُولِي الْأَبْصَارِ﴾ آن کسی است که این عالی‌ترین ارزش‌ها را بیش از همه چیز و همه کس مورد نظر داشته باشد. آن کسانی خردمند هستند که در همه حال به یاد خدایند. ﴿وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ و می‌اندیشند در آفرینش آسمان و زمین، در حال تفکرند. و می‌گویند پروردگارا این را بیهوده نیافریده‌ای. این مهم‌ترین و اساسی‌ترین نقطه یک ایدئولوژی است.

نقطه اساسی هر ایدئولوژی زندگی‌ساز این است که من اینجا برای کاری هستم. اساسی‌ترین نقاط یک فلسفه فکری که الهام بخش یک زندگی فردی و اجتماعی بشود همین است: ﴿رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا﴾. الهی این زمین و آسمان را بیهوده نیافریدی. ﴿سُبْحَانَكَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ تو منزهی، پس ما را از شکنجه آتش محفوظ بدار.

اولی الالباب یا خردمند کیست؟

به اینجا می‌رسد که ﴿إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا﴾ ما شنیده‌ایم و فهمیدیم، منادی را که برای ایمان ندا می‌کرد، می‌گفت به پروردگارتان ایمان بیاورید، آن وقت ما ایمان آوردیم. اینها همان اولی‌الباب هستند. منادی، به ظاهر پیامبر و در باطن، پیامبر عقل و تفکر و بینش آنهاست. پس از روی درک، بینش، شعور و با آگاهی کامل ایمان آوردند. اینجور ایمان مطلوب اسلام است.

مطلب سوم اینکه، خدای متعال ایمان ناآگاهانه را قبول ندارد و ارزشی برایش قائل نیست، چندین جای قرآن، این چنین ایمان کورکورانه متعصبانه مقلدانه، (که غالباً هم آدم را با مغز به زمین می‌کوبد) را به شدت توبیخ می‌کند. ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُم تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ﴾ چون به آنان (کافران و مرتجعان) گفته می‌شود که به سوی آنچه فرستاده شده و به سوی پیامبر بیاوید. به جای اینکه بیایند و فکر کنند، در جواب می‌گویند: ﴿قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا﴾ راه و رسمی که پدران خود را بر آن یافتیم، ما را بس. ما به دنبال این حرف‌های تازه نمی‌رویم. همه جا پیغمبر، روشنفکر زمان است، حرف نو دارد، اما کافران و مخالفان، متعصبان و مقلدان و متحجران و مرتجعانی هستند که راه نوی او را نمی‌پسندند.

قرآن پاسخ می‌دهد: ﴿أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ﴾ ولو پدراهایتان هیچ‌چیز نمی‌فهمیدند، باز هم شما از آنها تقلید می‌کنید؟ ببینید قرآن اینجا چه جور تقلید را شماتت می‌کند

فصل ۳۲ لیلۃ الزینة



ایمان بر طبق قرآن صرفاً یک امر قلبی نیست. قرآن هر باوری را به رسمیت نمی‌شناسد. اولین مومن به خدا شیطان است. ایمان شیطان در زمان انتخاب به کارش نیامد، ایمانش در همان دل ماند. ایمانی که در دل می‌ماند (حتی اگر نپوسد) و به اعضا و جوارح نمی‌آید، در فرهنگ قرآنی ارزشمند نیست.

ایمان زاینده، مثل سرچشمه‌ای فیاض عمل می‌زاید، همراه با تعهد، باری بر دوش مومن می‌گذارد و همراهش عمل است.

در قرآن دهها مورد ایمان همراه با عمل صالح آمده است. جایی قرآن می‌گوید: ﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ سست نشوید، غمگین نشوید، اگر مومن باشید از همه برترید. بعد در واقعیت می‌بینید مومنین به قرآن از همه برتر نیستند، بلکه جورکش همه هستند. وعده الهی حق است، اما قرآن ایمان را با عمل و تعهد همراه می‌داند. اگر فقط به تصدیق و پذیرش کلمه ایمان بود، اول مومن به پیغمبر ابولهب یا ولید بن مغیره مخزومی بود. آن هوشمندان عرب همان اول فهمیدند که پیامبر دروغ نمی‌گوید. آنها تصدیق می‌کردند که سخن پیامبر، کلام بشر نیست، ولی تصدیقشان با تعهد مناسبی همراه نبود. عمروعاص نیز می‌دانست علی (ع) بر حق است، ولی تعهدی به علی (ع) نداشت، به این خاطر شیعه نیست.

فرار از تعهد ایمانی

ولی انسان به دنبال راحت‌طلبی است، می‌خواهد راه آسان‌تر را برود. آن راه را توجیه می‌کند، برای رسیدن به بهشت با تنبلی فرمول درست می‌کند و پایش می‌ایستد. درحالیکه امام علی (ع) می‌گوید؛ شفاعت ما نمی‌رسد مگر به جد و جهد. قرن‌ها روی مغز مسلمانان کار شده که مومن بودن دل پاک لازم دارد، و نه عمل پاک. راحت‌طلبی‌های ما هم به این دست‌های مزدور کمک کرده است. از بعد از پیامبر این فکرها ترویج شد. می‌گویند معاویه وصیت کرده تا یکی دو بسته کوچک حاوی نکه لباس پیامبر و مو و ناخن پیامبر را در کفنش بگذارند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، ﴿ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا﴾ رکوع و سجود کنید، در مقابل خدا خضوع کنید، ﴿وَعَبُدُوا رَبَّكُمْ﴾ عبودیت کنید و عبادت پروردگارتان را، ﴿وَفَعَلُوا الْخَيْرَ﴾ نیکی به جای آورید، ﴿لَقَدْ كُنتُمْ تَفْلِحُونَ﴾ مگر موفق گردید، رستگار شوید.

﴿وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ﴾ آنچنان که شایسته جهاد است، در راه خدا مجاهدت کنید. آن تلاشی که برای و در راه خدا باید انجام بگیرد، بایستی به نسبت عظمت خود خدا باشد

شرط دوستی خدا

﴿وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ﴾ اوست که شما را برگزیده است ای ملت اسلام! آیا این یعنی مسلمانان، تافته جدا بافته هستند و هر گناهی هم کردند، بهشت مال اینهاست؟ این اشتباه یهودی‌ها هم بود. قرآن در مقابل یهودی‌ها فرمود؛ این همه دوستی، در گرو این است که به فرمان خدا عمل کنید. خدا امت اسلام را انتخاب کرد، قبل از اسلام نیز بنی اسرائیل را انتخاب کرده بود، هر دو انتخاب، به معنی انتخاب آماده‌ترین فرد است برای بزرگترین کار

این مسئولیت را چرا به شما داده؟ ﴿لَيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيداً عَلَيْكُمْ﴾ تا پیامبر بر شما گواه و مراقب باشد، ﴿وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ﴾ و شما بر مردمان و بر بشریت و بر خلق‌ها و توده‌ها مراقب و نگهبان و دیدبان باشید. ﴿فَاقِيمُوا الصَّلَاةَ﴾ پس به پا دارید نماز را ﴿وَأَتُوا الزَّكَاةَ﴾ و بدهید زکات را. ﴿وَاتَصِمُوا بِاللَّهِ﴾ و متوسل شوید به خدا و آیین خدایی. ﴿هُوَ مَوْلَاكُمْ﴾ خدا سرپرست و نگهبان شماست. در این آیه، تعهدات ایمانی دیگری از نوع زکات، نماز و اعتصام به خدا مطرح شده است.

معنای هجرت در قرآن

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا﴾ همانا آن کسانی که ایمان آوردند، ﴿وَهَاجَرُوا﴾ و هجرت کردند. یعنی، یکباره از همه چیز به خاطر هدف، به خاطر پیوستن به جامعه اسلامی دست شستند. ﴿وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾ با جان و مال، به جان و مال، در راه خدا مجاهدت کردند. ﴿وَالَّذِينَ آوَوْا﴾ و کسانی که پناه دادند به اینها ﴿وَنَصَرُوا﴾ و آنها را یاری کردند، همه اینها ﴿أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ﴾ اینها به هم پیوستگان یکدیگرند.

فصل ۴: ایمان و پایبندی به تعهدات



نفع‌طلبان، ایمان و عمل را تا جایی می‌خواهند که به سود شخصی آنها باشد. قرآن صریحاً اعلام می‌کند که اینها ایمان ندارند. آن کسی که مومن است و می‌خواهد مومن بماند و از ثمرات مومن بودن بهره ببرد، در مقابل همه احکام خدا و در همه جا باید احساس تعهد کند. تعهد، موسمی نیست. قرآن به یهودیان اشاره می‌کند که یکجا گفتند باید برادران دینی‌شان محفوظ بمانند و در جای دیگر وقتی پای منافع آمد، همین برادران را کشتند و اسیر کردند و فروختند. قرآن در توبیخ می‌فرماید: ﴿أَقْتُمُونِ بَعْضُ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بَعْضُ﴾ به بعضی از دین ایمان دارید، به بعضی دیگر بی‌ایمانید. امام باقر (ع) در حدیث معروفی که اولین حدیث باب امر به معروف و نهی از منکر است، به اینجور مردمی اشاره می‌کند؛ اینها کسانی هستند که به نماز و روزه که بی‌دردسر و کم‌مایه هست رو می‌آورند، به امر به معروف و نهی از منکر که پردردسر و به ظاهر پرضرر است اقبالی ندارند، اعتنایی نمی‌کنند. امام (ع) اینجا نمی‌گوید که اینها مومن هستند یا نیستند، ولی قرآن اینجا صریح می‌گوید، آن کسانی که آنجا که پای منافشان در میان است، دین را نمی‌خواهند، اینها مومن نیستند

آنهايي که اگر حق به جانبشان هست، به قضاوت و حکومت پیامبر تن می‌دهند، اما وقتی حق به جانبشان نیست، و می‌دانند حکم علیه آنهاست، تن به حکومت پیامبر نمی‌دهند، قرآن به اینها می‌گوید، آیا تردید پیدا کردند در حقانیت و صحت دین؟ ﴿أَمْ يَخَافُونَ أَنْ يَحِيفَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَرَسُولَهُ﴾ چیزی در حد کفر، ترسیدند که خدا و رسولش به آنها ظلم کنند؟

آگاهی و روشنگری در دین اسلام

معاویه بن ابی سفیان، آنجایی که لازم است، حتی قرآن را به صورت ورقی بر روی نیزه‌ها می‌کند. آنجایی که باید دوست علی (ع) را به سوی خود جلب کند، دم از فضائل امیرالمومنین می‌زند، وقتی فضائل علی را می‌گویند، اشک تمساح می‌ریزد. اینها جاهایی است که دین به سود اوست. اما آنجا که دین و پایبندی به احکام دین به زیان اوست، دیگر دین را نمی‌شناسد. آنجا که حساب

به عمل آورده است. ﴿وَمَا جَعَلْنَا لِقَابَ الَّذِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعِ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ﴾ آنان که پیروی پیغمبر می‌کنند از آنان که به سوی گذشتگان‌شان گرایش و تمایل دارند و برمی‌گردند به گذشته، از هم مشخص و مجزا شوند. سپس می‌گوید که آن نمازها و طاعات روبره بیت‌المقدس به بطالت نبوده و مورد قبول است. ﴿وَإِنْ كُنْتَ لَتَكْبِيرَةٍ إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ إِيْمَانَكُمْ﴾ و خدا هرگز ایمان شما را ضایع نمی‌کرد. این آیه به مومنین نوید می‌دهد که شما کارتان و عمل‌تان ضایع نمی‌گردد. یعنی ثمربخش است.

سوالات مبحث یک

(استفدای آموزشی ۱۴۰۳)

۱ رهبانین مسیحی به چه دلیل و به کدام صورت رهبانیت پیشه کردند؟

- (۱) برای اینکه دامانشان به گناه آلوده نشود به کلیسا و معبدها پناهنده شدند.
- (۲) برای ترک نیا، گوشه‌گیری اختیار کردند و به کلیسا و معبدها پناهنده شدند.
- (۳) برای اینکه دامانشان به گناه آلوده نشود به غارها و کوه‌ها پناهنده شدند.
- (۴) برای ترک دنیا، گوشه‌گیری اختیار کردند و به غارها و کوه‌ها پناهنده شدند.

(استفدای آموزشی ۱۴۰۳)

۲ کدام مورد، حربه‌ای در دست انسان برای مقابله با شیطان و شیطان‌صفت‌ها است؟

- (۱) اطعوا الله (۲) کتاب‌الله (۳) حب الله (۴) ذکرالله

(استفدای آموزشی ۱۴۰۳)

۳ در معارف اسلامی «انفال» چیست و قرآن آن را در اختیار چه کسی قرار داده است؟

- (۱) ثروت‌هایی که متعلق به عموم مسلمان است - خدا و رسولش ﷺ
- (۲) ثروت‌هایی که متعلق به عموم مسلمان است - رزمندگان اسلام
- (۳) فقط غنائمی که در جنگ نصیب مسلمانان می‌شود - خدا و رسولش ﷺ
- (۴) فقط غنائمی که در جنگ نصیب مسلمان می‌شود - رزمندگان اسلام

۴ قرآن کریم بعد از آنکه مصرف انفال را معین می‌کند می‌فرماید: «اگر مؤمن هستید این سه کار را انجام دهید.» سه کار کدام است؟

(استفدای آموزشی ۱۴۰۳)

- (۱) تقوای خدا پیشه کنید، به نیازمندان انفاق کنید و از وسوسه‌های شیطان دوری کنید.
- (۲) تقوای خدا را پیشه کنید، فی مابین خود اصلاح کنید و از خدا و رسولش ﷺ اطاعت کنید.
- (۳) نماز به پا دارید، به نیازمندان انفاق کنید و از خدا و رسولش اطاعت کنید.
- (۴) نماز را به پا دارید، فی مابین خود اصلاح کنید و از وسوسه‌های شیطان دوری کنید.

(استفدای آموزشی ۱۴۰۳)

۵ دو بال نیرومند برای پرواز انسان که او را از تیررس دشمن‌های خاکی به کلی دور خواهد کرد، کدام است؟

- (۱) صبر و توکل (۲) حب و دوستی
- (۳) علم و عمل (۴) تولی و تبری

۶ با توجه به آیه شریفه ﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ آيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ﴾ خردمندان از نظر قرآن چه کسانی هستند؟

(استفدای آموزشی ۱۴۰۳)

- (۱) در همه حال نماز را اقامه می‌کنند و در آفرینش آسمان‌ها و زمین تفکر می‌کنند.
- (۲) در همه حال نماز را اقامه می‌کنند و از خدا و پیامبر ﷺ اطاعت و پیروی می‌کنند.
- (۳) در همه حال به یاد خدا هستند و در آفرینش آسمان‌ها و زمین تفکر می‌کنند.
- (۴) در همه حال به یاد خدا هستند و از خدا و پیامبر اطاعت و پیروی می‌کنند.

۷ اساسی‌ترین نقاط یک فلسفه فکری که الهام‌بخش یک زندگی فردی و اجتماعی بشود. در کدام آیه شریفه زیر بیان شده است؟

(استفدای آموزشی ۱۴۰۳)

- (۱) «ربنا ما خلقت هذا باطلا» (۲) «ان فی خلق السماوات و الارض»
- (۳) «الذین یذکرون الله قیاما و قعودا» (۴) «یتفکرون فی خلق السماوات و الارض»

۸ با توجه به آیه شریفه ﴿یا ایها الذین آمنوا اركعوا و اسجدوا و اعبدو ربکم...﴾ انسان باید چه کارهایی انجام دهد تا به فلاح و رستگاری و موفقیت برسد؟

(استفدای آموزشی ۱۴۰۳)

- (۱) در مقابل خدا خضوع و بندگی کند و به پیامبر ﷺ نیکی کند.
- (۲) در مقابل خدا رکوع و سجود کند و ایمان به خدا و معاد داشته باشد.
- (۳) در مقابل خدا رکوع و سجود کند و به پیامبر ﷺ نیکی کند.
- (۴) در مقابل خدا خضوع و بندگی کند و کارهای نیک به جا آورد.

(استفدای آموزشی ۱۴۰۳)

۹ قرآن کریم در توصیف چه کسانی می‌فرماید: ﴿الذین ینفقون فی السراء و الضراء و الکاظمین الغیظ﴾؟

- (۱) انفاق‌کنندگان (۲) هدایت‌شوندگان (۳) مومنین (۴) متقین

پاسخنامه سوالات مبحث یک

گزینه «۳» صحیح است.

رهبانیون مسیحی، برای اینکه دامانشان به گناهان آلوده نشود، رهبانیت پیشه کردند و به غارها و بیغوله‌ها پناه بردند.

گزینه «۴» صحیح است.

﴿وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ﴾ آن کسانی که چون گناه بزرگی انجام دهند، یا بر خویشتن ستم کنند، فوراً به یاد خدا بیافتند. با تقوی کسی است که در وادی غفلت دیر نپاید. یاد خدا حربه‌ای است در دست ما علیه شیطان

گزینه «۱» صحیح است.

انفال، یعنی ثروت‌هایی که به عموم مسلمانان متعلق است. مانند؛ درآمد مسلمانان از جنگ، معادن، جنگل‌ها، دشت‌ها و مراتع، به‌طور خلاصه، ثروت‌هایی که متعلق به یک فرد خاص یا به یک جمع خاص نیست و از آن تمامی ملت است. وقتی در جنگ بدر، مسلمانان بحث کردند که غنایم از آن کیست، آیه قرآن پاسخ داد؛ ﴿قُلِ الْاَنفَالُ لِلَّهِ وَ الرَّسُولِ﴾ انفال از آن خدا و از آن پیامبر است.

گزینه «۲» صحیح است.

پس از آنکه مصرف انفال را معین نمود، می‌فرماید: ﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ اگر مومن هستید، این سه کار را انجام دهید: تقوای خدا پیشه کنید، میان خود را اصلاح کنید و فرمان ببرید خدا را و پیامبرش را.

گزینه «۱» صحیح است.

دو بال نیرومند برای پرواز انسان در زندگی، یکی صبر است، یکی توکل. هر امتی این دو بال را داشته باشد از تیررس دشمن‌های خاکی به دور خواهد ماند.

گزینه «۳» صحیح است.

آن کسانی خردمند «اولی الالباب» هستند که در همه حال به یاد خدایند. ﴿وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ و می‌اندیشند در آفرینش آسمان و زمین، در حال تفکرند. و می‌گویند پروردگارا این را بیهوده نیافریده‌ای. این مهم‌ترین و اساسی‌ترین نقطه یک ایدئولوژی است

گزینه «۱» صحیح است.

نقطه اساسی هر ایدئولوژی زندگی‌ساز این است که من اینجا برای کاری هستم. اساسی‌ترین نقاط یک فلسفه فکری که الهام بخش یک زندگی فردی و اجتماعی بشود همین است: ﴿رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا﴾.

گزینه «۴» صحیح است.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، ﴿ارْكَعُوا وَ سُجَّدُوا﴾ رکوع و سجود کنید، در مقابل خدا خضوع کنید، ﴿وَعَبُدُوا رَبَّكُمْ﴾ عبادت کنید و عبادت پروردگارتان را، ﴿وَقَفُّوا الْخَيْرَ﴾ نیکی به جای آورید، ﴿لَعَلَّكُمْ تَفْلِحُونَ﴾ مگر موفق گردید، رستگار شوید

گزینه «۴» صحیح است.

با تقوایان چه کسانی هستند؟ ﴿الَّذِينَ يَنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ﴾ آن کسانی که اتفاق می‌کنند در خوشی و ناخوشی.

گزینه «۱» صحیح است.

این آیات از آخر سوره آل عمران ایمان آگاهانه را به ما معرفی می‌کند: ﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ﴾، «در آفرینش آسمان‌ها و زمین، آمد و رفت شب و روز همانا نشانه‌هایی است، برای خردمندان».

گزینه «۴» صحیح است.

کسانی که به خدا ایمان آورند و به او متمسک و متکی گردند، (یعنی به دامن خدا و آیین خدا چنگ بزنند و متمسک بشوید) خدا آنان را در رحمت و فضل خویش داخل خواهد کرد. و آنها را به سوی خود رهنمون می‌شود. در آیه معروف دیگر؛ ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾ آن کسانی که در راه ما مجاهدت کنند، بی گمان و بی تردید راه‌هایمان را به آنها نشان می‌دهیم (گمراهشان نمی‌گذاریم). و بی گمان خدا با نیکوکاران است

گزینه «۱» صحیح است.

﴿اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾ خدا سرپرست و هم جبهه مومنان است. (دشمنان در صف دیگر هستند). نقل از کتاب: «ولی را من، هم جبهه، پیوسته، هم سطح معنا می‌کنم و بر سرپرست و دوست و یاور و این چیزهایی که معمول است، ترجیح می‌دهم».

گزینه «۳» صحیح است.

﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ اطاعت از پیامبر را در کنار اطاعت از خدا آورده است تا اطاعت پیامبر را مصداق اطاعت از خدا بیان کند، وگرنه هر کسی می‌تواند ادعای اطاعت از خدا را داشته باشد. رحم خدا نیز در اینجا به ملتی تعلق می‌گیرد که عمل کرده‌اند و اطاعت کرده‌اند، نه کسانی که منطقه ممنوعه خدا را زیر پا گذاشته‌اند

گزینه «۴» صحیح است.

﴿لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَوَيْتَمَّ حُنَيْنَ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُمْ مُدْبِرِينَ﴾ «خداوند شما را در جاهای زیادی یاری کرد» (و بر دشمن پیروز شدید)؛ و در روز حنین (نیز یاری نمود)؛ در آن هنگام که فزونی جمعیتتان شما را مغرور ساخت، ولی (این فزونی جمعیت) هیچ به دردتان نخورد و زمین با همه وسعتش بر شما تنگ شده؛ سپس پشت (به دشمن) کرده، فرار نمودید!

گزینه «۳» صحیح است.

خدا در آیاتی به مومنین می‌گوید، به این علت قبله را مدتی به بیت‌المقدس گرداندیم که کعبه از قبل از اسلام محل عبادت شما بود، خواستیم آن را تغییر دهیم تا ببینیم چقدر حاضرید به خاطر خدا سنت‌ها را زیر پا بگذارید.